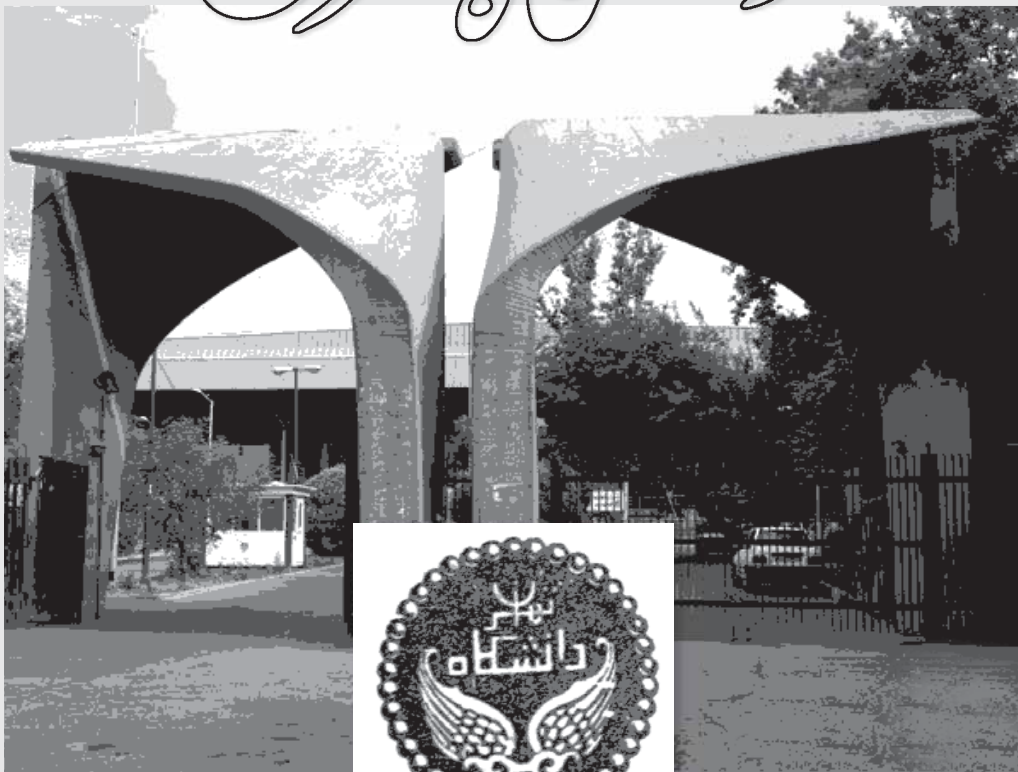


تاریخ آموزش و پرورش در ایران

فاطمه محمودیان

دانشگاه تهران



با ورود اسلام به ایران، دو گونهٔ تعلیم و تربیت در آن واحد در ایران رواج یافت: یکی مخصوص کسانی که به دین نیاکان خود باقی مانده بودند و نوع دوم برای کسانی که به اسلام گرویده بودند. در دورهٔ ایران اسلامی نیز مساجدی که کم کم در بعضی از شهرها برپا می‌گشت، همانند مساجد تمام ممالک اسلامی، هم محل عبادت و پرستشگاه مسلمانان به شمار می‌رفتند و هم به عنوان مرکز علمی - آموزشی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. برای خواندن قرآن، به تدریج عده‌ای الفبای

در سلسله مطالب «تاریخ آموزش و پرورش در ایران» در دو دورهٔ ایران باستان و ایران اسلامی به معرفی آموزش و پرورش ایران پرداختیم. در دورهٔ ایران باستان، دانشگاه جندی شاپور یا گندی شاپور یکی از بازرزترین مراکز آموزش عالی در قبل از اسلام است که تا قرن سوم هجری به فعالیت خود ادامه داد. این دانشگاه در میان آموزشگاه‌های عالی موجود در مرزهای تاریخی ایران و امپراتوری روم از شهرت و امتیاز بیشتری برخوردار بوده است.

عربی آموختند، ولی تعلیم اصول دین شفاهی بود و در مساجد انجام می‌یافت. توسعه کیفی و کمی آموزش، مساجد را در شرایطی قرار داد که دیگر جوابگوی نیازهای آموزشی نبود؛ بنابراین مکان‌های آموزشی به تدریج از مدارس جدا شدند. اهمیت بسیاری که دین اسلام برای علم و علم‌آموزی قائل است، عامل توسعه و رشد مراکز آموزش و مکتب‌خانه‌ها شد. برای ورود به مکتب، هیچ‌گونه محدودیت سنی یا اجباری وجود نداشت.

پس از رشد و گسترش روزافزون اسلام، حکومت‌ها و فرقه‌های مذهبی، به تشکیل مدارس و مؤسسات آموزشی اقدام کردند. **خواجه نظام‌الملک طوسی**، وزیر مقتدر سلجوقیان، با تأسیس مدارس نظامیه در سراسر قلمروی اسلامی، تأثیر بسزایی در توسعه و گسترش مدارس در جهان گذاشت.

در مدارس، تربیت نظری و عملی رواج داشت و در خانقاه، تنها تربیت عملی. مواد تربیتی در خانقاه شامل مراحل مخصوصی از سلوک و تزکیه نفس بود که هر یک با شرایط خاص تربیتی، تحت نظر شیخ خانقاه انجام می‌پذیرفت.

نظام آموزشی اسلامی، باعث رشد و پویایی علوم و معارف دینی شد و دانشمندان و اندیشمندان بزرگی را به جهان عرضه داشت. اما متأسفانه با حمله مغولان و تیمور، بسیاری از مراکز علمی و مدارس رو به ویرانی گذاشتند. البته در عصر صفویان، با رونق یافتن مذهب تشیع، تعدادی مدارس مهم در شهرهای بزرگ ایران تأسیس شد.

با روی کار آمدن حکومت قاجار در کشور و رقابت و منازعات گسترده برخی از قطب‌های معماری اروپا بر سر تسلط بر ممالک دیگر، ایران به مثابه سرزمینی با ویژگی‌های خاص، شدیداً مورد توجه دولت‌های استعمارگر روس و انگلیس قرار گرفت. در دوره حکومت قاجار، دارالفنون، به همت **امیرکبیر**، در سال ۱۲۶۸ توسط دولت و از خزانه عمومی به وجود آمد. رشدیه اولین کسی بود که در ایران برای نابینایان مدرسه ساخت و آن‌ها را باسواد کرد.

با توسعه و افزایش مدارس جدید، ضرورت ایجاد مراکزی به منظور تربیت معلم مورد توجه قرار گرفت. به همین دلیل دارالمعلمین، دانش‌سرا و سپس دانشگاه تربیت معلم تأسیس شدند.

تأسیس دانشگاه تهران

در راستای توسعه صنعتی و علمی و هماهنگ ساختن فعالیت‌های آموزش عالی کشور، دانشگاه تهران به عنوان مرکزی که همه یا اغلب مدارس عالی را در بر گیرد، تأسیس شد.

فکر تأسیس دانشگاهی به سبک دانشگاه‌های اروپایی در سال ۱۳۰۷ مطرح شد، اما به دلیل فراهم نبودن مقدمات،

کار به تأخیر افتاد. در سال ۱۳۱۳، قانون تأسیس دانشگاه تهران به عنوان مرکزی که در برگیرنده همه یا اغلب مدارس عالی باشد، از تصویب مجلس شورای ملی گذشت. دانشگاه تهران بزرگ‌ترین نهاد آموزش عالی در ایران و قدیمی‌ترین دانشگاه ایران است که در سال ۱۳۱۳ تأسیس شد.

هم‌چنین، دانشکده‌هایی برای دانشگاه در نظر گرفته شد: علوم معقول و منقول (الهیات)، علوم طبیعی و ریاضی، ادبیات، فلسفه و علوم تربیتی، طب، حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی، و فنی.

این دانشگاه براساس روش کار مؤسسات آموزش عالی فرانسه الگوبرداری شد. حتی طراحان ساختمان‌های دانشگاه تهران، مهندسان فرانسوی بودند. دانشگاه تهران با ادغام دارالفنون، مدرسه علوم سیاسی، مدرسه طب، مدرسه عالی فلاح و صنایع روستایی، مدرسه فلاح مظفر (اولین مدرسه کشاورزی در ایران)، مدرسه صنایع و هنر (تأسیس توسط کمال‌الملک)، مدرسه عالی معماری، مدرسه عالی حقوق، و چند مرکز آموزش عالی دیگر تهران، تشکیل شد. مدرسان دانشگاه، علاوه بر استادان ایرانی که از فارغ‌التحصیلان دانشکده‌های خارجی بودند، تعدادی نیز از فرانسه و آلمان به استخدام دانشگاه درآمدند. دانشگاه تهران پس از تأسیس در سال ۱۳۱۳ که از اجتماع مدارس عالی موجود به وجود آمد، زیر نظر وزیر فرهنگ (آموزش و پرورش فعلی) اداره می‌شد و وزیر فرهنگ ریاست دانشگاه را هم به عهده داشت، اما از سال ۱۳۲۲ اداره دانشگاه تهران از وزارت فرهنگ جدا شد. رییس دانشگاه به وسیله شورای دانشگاه، از میان رؤسای دانشکده‌ها انتخاب می‌شد. رؤسای دانشکده نیز به وسیله شورای دانشکده‌ها از میان استادان هر دانشکده انتخاب می‌شدند.

در ابتدای تأسیس دانشگاه تهران، حدود یک هزار دانشجو در این دانشگاه پذیرفته شدند که اصولاً از طبقات بالایی اجتماع بودند. ولی دانشجویان مرفه‌تر هم چنان به تحصیل در خارج از کشور تمایل داشتند. دانشجویان دانشگاه از تمام نقاط کشور ایران می‌توانستند وارد شوند. به علاوه، از نجف، استانبول، هندوستان و اتحاد جماهیر شوروی هم دانشجویانی برای تحصیل، به دانشگاه تهران اعزام می‌شدند.

منابع

۱. الماسی، علی محمد. تاریخ آموزش و پرورش ایران. امیرکبیر. تهران. چاپ هفتم. ۱۳۸۴.
۲. درآنی، کمال. تاریخ آموزش و پرورش: قبل و بعد از اسلام. سمت. تهران. چاپ سوم. ۱۳۸۰.
۳. صدیق، عیسی. تاریخ فرهنگ ایران. دانشگاه تهران. تهران. چاپ هفتم. ۱۳۵۴.
۴. قاسمی‌پویا، اقبال. مدارس جدید در دوره قاجار: بانیان و پیشروان. مرکز نشر دانشگاهی. تهران. ۱۳۷۷.